

درس قرائت

بقلم آقای فوادی

دبیر محترم دبیرستان نظام

یکی از مواد تعلیم زبان مادری قرائت است. از نظر روان شناسی و وظائف الاعضاء قرائت با شروط ذیل انجام می گیرد :

۱ - مشاهده و ادراک خارجی حروف و کلمات . ۲ - تداعی معانی که از مشاهده حروف و کلمات هر کلمه و حرفی که قبلا بما گفته و شکل آنرا نشان داده اند بیاد آوردن معانی را فهم میکنیم . بدیهی است که اعمال دیگر ذهنی از قبیل تصور و تصدیق و قیاس و استدلال و غیره نیز در این باب هر يك بسهم خود شرکت دارند . ۳ - اراده که بواسطه آن عضلات جهاز تکلم یا اعضای سخن را بحرکت در آورده حروف و کلمات را تلفظ میکنیم . وقتی قرائت صحیح است که تلفظ ما قالبی باشد مطابق و موافق معنی یعنی در طی خواندن صدا کاملا تحت تاثیر فکر و احساس ما باشد ناشنونده نیز بواسطه این تظاهرات آسانتر و بهتر تحت تاثیر واقع شده مقصود را فهم کند .

هر معلمی باید شاگرد را نه تنها بخواندن و فهمیدن مطالب عادت بدهد بلکه او را وادار کند تا کلمات و جمله ها را طوری تلفظ نماید که بقول یکی از رفقا « از خواندن او معنی بچکد »
بجز به معلوم شده است شاگردی که موضوعها را خوب نمیخواند در مطالعه هم استفاده لازم را نمیرد و غالبا موضوع و مقصود را خواننده نمیفهمد .

نعمین قرائت از همان سال اول ورود شاگرد بمدرسه باید تحت اسلوب و قواعد معین در آید و در صورت عدم رعایت آن جبران مافات امکان پذیر نخواهد بود .

در سال اول و دوم دبستان باید شاگرد تلفظ صحیح حروف و کلمات مفرد را بطور کامل فرا گیرد مثلا فرقی زبر را بالف - بیش را باوا - زیر را با یاء تشخیص دهد . این مطلب البته نباید بنظر آموزگاران کوچک و غیر مهم بیاید زیرا در عمل می بینیم با شاگردان این قبیل اشتباهات را که ناشی از عدم تشخیص کامل حروف است میکنند .

چون انسان طبعا بمادت متمایل است و میل دارد هر چیز را زودتر فهمیده تشخیص آن را مو کول با استعداد عادت نماید این است که غالبا می بینیم شاگرد چون بکلمه تصادف کرد همان دوسه حرف اول را در نظر گرفته و باقی حروف را میاندازد و با همان دوسه حرف کلمه تشکیل میدهد مثلا بجای شکستن میروند - دونه - گردن کلمات شکست - میروند - دوید - گزار را تلفظ میکند . این قبیل اشتباهات از شاگردی سر میزند که با اسلوب صحیح تحصیل کرده است و الا ممکن است بجای - میگذرد - آمده است ، میروند - رفته است بخواند یعنی بعد از آنکه آموزگار چند کلمه اول از جمله را باو میگوید باقی را شاگرد بر حسب اقتضای فهم خود میسازد .

از سال سوم تا ششم دبستان شاگرد باید بقرائت محسوس عادت کند و مقصود ما از قرائت محسوس آن است که يك نواخت و يك آهنگ نبوده فکر و احساس گوینده را با اندازه که با لحن و صدا باید اظهار شود بیان نماید . بعضی شاگردان که قرائت آنها مورد نصیحت و اصلاح آموزگار واقع نشده طوری چیز میخوانند که گوئی آلتی بی شعور را کول کرده راه انداخته اند و در نتیجه خود و رفقا و آموزگار را خسته و ملول کرده بعلاوه غافل از جریان موضوع قرائت میشوند .

هر آموزگاری تا سال ششم باید مراتب ذیل را در قسمت قرائت برای شاگرد در نظر گرفته عملی نماید .

- ۱ - رعایت آهنگ توقف یعنی هر جامط تمام شد شاگرد درنگ نماید .
- ۲ - رعایت توقف‌های جزئی باندازهٔ يك فرو بردن و بر آوردن نفس (در جاهاییکه بقاعدهٔ دستور زبان باید و بر کول یا نقطه باویر کول گذارده شود) .
- ۳ - رعایت آهنگ سؤال و تعجب و امثال آنها .
- ۴ - رعایت بلند کردن صدا در مقدمه و پستی آن در خاتمهٔ استداره [استداره جملهٔ کامل نسبتاً مفصلی است که علاوه بر واجد بودن شروط نحوی دارای مزایای ادبی نیز باشد، مثال : درختی که تلخ است و پرا سرشت کرش برنشانی بیباغ بهشت و رازجوی خلدش بهنگام آب به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب (تا اینجا مقدمهٔ استداره است) سرانجام گوهر بکار آورد همان میوهٔ تلخ بار آورد) .
- ۵ -- دانستن معانی اصطلاحی کلمات و پی بردن به مقصود جمله و بالاخره تشخیص روابط نحوی لازم .

- ۶ - تشخیص و فهم ماحصل و نتیجهٔ حکایت - موضوع - بند یا مثل .
 - ۷ - بیان مطالب خوانده شده بوسیلهٔ کلمات و جمله‌های خود شاگرد .
 - ۸ - آشنا ساختن شاگرد بمقدمات بسیار ساده معانی لغوی کلمات و فرق کلام ساده و ادبی . خلاصه آنکه شاگرد هر چه را میخواند بفهمد و خوب ادا نماید و باندازهٔ فهم خود قواعد دستور زبان را ضمن قرائت بکاربرد .
- در دبیرستان باید مراتب فوق را تکمیل نموده علاوه بر تمرین قواعد دستور بقویت ذوق ادبی شاگرد پرداختند .

با در نظر گرفتن آنچه در فوق گذشت هر معلمی باید راهی برای تدریس و سؤال موضوع قرائت اتخاذ نماید و یگانه مقصودش این باشد که شاگرد او روز بروز بر معلومات و وسعت فکر و ذوق ادبی خویش افزوده بهترین یادکار را از معلم همراه داشته باشد .

يك مطلبی را که ناگزیریم متعرض شویم این است که بواسطهٔ عدم رعایت اعراب در رسم الخط ماشاگردان بیشتر دچار دشواری تلفظ میباشند، معلم باید سعی کند از همان ابتدا تلفظ صحیح کلمات را بآنها تعلیم داده نگذارد بتلفظ غلط عادت کنند. اگر این قسمت در دبستان رعایت نشود اصلاح تلفظ شاگردان در مراحل بعد امری بغایت دشوار خواهد بود لیکن در عین حال نباید مبالغه نموده متوقع باشیم که شاگرد کایهٔ کلمات ماخوذهٔ از عرب را مطابق اصل تلفظ نماید زیرا بسیاری از کلمات در نتیجهٔ کثرت استعمال در محیط ما از تلفظ اصلی خود منحرف شده‌اند و معات بتلفظ کنونی آنها عادت کرده است. بقرض آنکه ما زحمتی بر خود و شاگرد تحمیل کرده این قبیل کلمات را مطابق تلفظ اصلی با و تعلیم دهیم باید بدانیم که نتیجهٔ زحمات ما از محیط مدرسه خارج نخواهد شد و در جامعه تأثیری نخواهد بخشید. اگر در محیط اجتماعی فی‌المثل شاگرد (عطر) را بکسر اول و (منصب) را بکسر صاد تلفظ کند احتمال آن را نمیدهیم که بر او بخندند ؟

درس قرائت بهترین وسیله ایست برای توسعهٔ فکر و تقویت ذوق شاگرد زیرا در طی مواد پرگرام با افکار اشخاص مختلف در ادوار دور و نزدیک آشنا میشود، از طرز بیان مطالب اطلاع حاصل میکند، از کلمات بزرگان و نتایج حکایات پند میگیرد و قسمت عمدهٔ وجدان فردی را تشکیل میدهد . پس چه اندازه مهم است که معلم زبان مادری معلوماتش بر پایهٔ صحیح و محکم استوار باشد و هر قدر بتواند بیشتر بمطالعهٔ کتب و مجلات دقت خود را صرف نماید و بواسطهٔ دانستن لاقول يك زبان خارجه با ادبیات غرب نیز نسبتاً آشنائی بهم رساند و بکمک این معلومات و اطلاعات بابک روح پاک بی‌آلایش و بابک علاقهٔ مفرط بن خود معلومات خویش را مورد استفادهٔ شاگردان قرار دهد .